



طنین سکوت: پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان در ایران

کارشناسی ارشد مردم‌شناسی اجتماعی، دانشگاه کنت، انگلستان | **کامیل احمدی*** | پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ | ایمیل نویسنده مسئول: kameel.ahmady@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲

kameel.ahmady@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰ | ایمیل نویسنده مسئول:

چکیده

هدف: هدف این پژوهش شناخت و شناسایی دلایل رواج ازدواج زودهنگام کودکان یا کودک همسری در ایران و تحلیل اجتماعی و فرهنگی دقیق این آسیب اجتماعی بود. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر تلفیقی (کیفی - کمی) و از نظر هدف کاربردی با رویکرد روش شناختی در مقیاس کلان بود. در بخش کیفی مشارکت‌کنندگان شامل کارشناسان، والدین و جامعه هدف که کودکان و نوجوان دختر و پسر بودند که در سنین پایین به دلایل مختلف ازدواج کرده بودند که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش نیز مصاحبه‌های میدانی تحلیلی بود و با ۳۱۱ مشارکت‌کننده انجام پذیرفت. برای اعتبار یافته‌ها نیز از روایی صوری و پایایی با روش کدگذاری مجدد توسط تیم کدگذار استفاده شد. در بخش کمی پژوهش نیز مبنای تحلیل پیمایش‌ها و سالنامه‌های مرکز آمار ایران صورت گرفته از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ بود که در هفت استان (خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اصفهان) کشور انجام شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تداوم کودک همسری شامل فقر، تحصیلات پایین و کم‌سواد، نبود حمایت قانونی، موجودیت ماده قانونی ۱۰۴۱ برای ازدواج در سن ۱۳ سال برای دختر و ۱۵ سال برای پسر، فشارهای اجتماعی و نگاه مردمحور و باورهای سنتی و مذهبی است. از آثار ازدواج زودهنگام می‌توان به افزایش طلاق، کودک بیوه‌گی، رشد کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، عدم اشتغال و بازماندن از تحصیل، سوءاستفاده جنسی از دختران، تداوم چرخه فقر و فحشا، افزایش بیماری‌های جسمی و جنسی و روحی است. **نتیجه‌گیری:** ازدواج زودهنگام کودکان و نوجوانان دختر در ایران به‌عنوان آسیبی اجتماعی و فرهنگی در بیشتر استان‌های کشور رواج دارد که با آسیب‌های مختلف همراه است؛ بنابراین، ضرورت جدی دارد که قانونگذاران با بالا بردن سن ازدواج از یک طرف و مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه خانواده نسبت به پیشگیری و اقدامات مداخله‌گرایانه نسبت به کلیت این موضوع اقدام نمایند.

کلیدواژه‌ها: ازدواج زودهنگام کودکان، خشونت علیه زنان، طلاق، فقر، تحصیلات، کودک همسری، اصلاح قانون ازدواج، پیشگیری

فصلنامه علمی پژوهشی خانواده‌درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷

<http://Aftj.ir>

دوره ۲ | شماره ۲ | پیاپی ۶ | ۵۰۸-۵۲۷

تابستان ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(احمدی، ۱۴۰۰)

در فهرست منابع:

احمدی، کامیل. (۱۴۰۰). *طنین سکوت:*

پژوهشی جامع درباره ازدواج زودهنگام کودکان

در ایران. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۲(۲)

پیاپی ۶: ۵۰۸-۵۲۷.

مقدمه

پدیده ازدواج و تشکیل خانواده از جمله رخدادهای مهم و اساسی حیات بشری و مورد نیاز فوق العاده جامعه انسانی در طول تاریخ بوده است. از این رو علاوه بر ادیان و مذاهب، مورد توجه علمی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روانشناسی، تعلیم و تربیت، فلسفه و ... قرار گرفته است (محمد پور و تقوی، ۱۳۹۴). نیاز به ایجاد روابط انسانی یکی از نیازهای عاطفی انسان است. ازدواج صمیمی‌ترین نوع رابطه در پاسخ به تمامی نیازها، اعم از مادی و معنوی است و یکی از مراحل تکامل انسان محسوب می‌شود. ازدواج پیمان مقدسی است که در میان تمام اقوام و ملل و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. رابطه دیرینه‌ای که در آن زن و مرد زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند و پیمان می‌بندند که یار و غم‌خوار یکدیگر باشند، همدیگر را خوشبخت کنند، به یکدیگر عشق ورزند و با ازدواج به تنهایی خویش پایان دهند. ازدواج فرایندی است که تحت شرایط و مراسم قانونی، شرعی و عرفی برگزار می‌شود و عمل آن مورد پذیرش شرع، قوانین و تشکیلات اجتماعی است (سیار، راهب و اقلیما، ۱۳۹۱). ازدواج در صورتی برای نظام اجتماعی کل کارکرد مثبت دارد که در زمان مناسب و با فرد مناسب صورت بگیرد؛ یعنی اگر زوجین در سن مناسب ازدواج نباشند و بلوغ فکری لازم برای تشکیل زندگی را نداشته باشند، مطمئناً توانایی انتخاب فرد مناسب را نخواهند داشت و نتیجه آن هم آسیب‌های فردی است که بر خود این افراد وارد می‌شود و هم تأثیرات اجتماعی که بر اثر این ازدواج‌گریبان‌گیر جامعه می‌شود که از بیماری‌های جسمی و روانی و نارضایتی از زندگی زناشویی گرفته تا نرخ پایین مشارکت اجتماعی و جامعه‌پذیری ناقص در خانواده که خود آثار فردی و اجتماعی فراوانی دارد. سن ازدواج یکی از شاخص‌های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می‌شود (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱). از دیدگاه جامعه‌شناختی آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و بهنگام و محیط آرام بخش خانواده است. از آنجایی که ازدواج عامل پیدایی خانواده است ولی ازدواج زودهنگام کودکان یا کودک همسری می‌تواند منجر به بروز اختلالاتی در پیدایش و شکل‌گیری خانواده‌های جدید و همچنین خود شخص گردد (فخرایی و ابراهیمی، ۱۳۹۴).

کودک همسری با ختنه زنان یا همان ناقص‌سازی اندام جنسی زنان که از موارد آشکار نقض حقوق زنان است، رابطه معناداری دارد (احمدی، ۱۳۹۴)؛ در پژوهش احمدی (۱۳۹۵) که در باره ختنه زنان و دختران بوده است به این معضل اجتماعی پی برده است و بیان می‌دارد، دخترانی که ختنه می‌شوند و اندام جنسی آنها بویژه کلیتوریس بریده می‌شود، زودتر ازدواج می‌کنند و این امر منجر به کودک همسری می‌شود. این کودکان که در نقش مادری و همسری قرار می‌گیرند، هنوز خود کودکانی هستند که هنجارهای مربوط به نقش‌های جدیدشان را نمی‌توانند درک کنند. ایده تحقیق کودک همسری و بررسی آن از دل تحقیق ختنه دختران شکل گرفته است؛ از منظر شمار زیادی از کارشناسان، کودک همسری یا ازدواج زودهنگام بر زندگی کودکان اثر گذاشته و آن را با تبعات آسیب‌زای سلامتی، پیچیده‌تر کرده و در هر سطحی از توسعه، رشد و تعالی فردی را تحت شعاع خود قرار می‌دهد. در برخی کشورهای در حال توسعه، ازدواج زودهنگام یک ابزار اقتصادی تلقی می‌شود که می‌تواند وضعیت اقتصادی خانواده را بهبود بخشد، می‌تواند پیوندهای خانوادگی را تحکیم بخشیده و تضمینی برای باکریگی دختران قبل از ازدواج باشد که امیال جنسی ایشان را

کنترل می‌کند و می‌تواند مانع از رسیدن دختران به سنی شود که جذابیت جنسی شان به عنوان همسر تحلیل رود (المو، ۱۳۸۶). از طرف دیگر مشکلات بفرنج مربوط به بارداری و وضع حمل از عمده‌ترین دلایل مرگ و میر دختران در سنین ۱۵ الی ۱۹ سالگی است (صندوق جمعیت سازمان ملل، ۱۳۹۱).

ازدواج زودهنگام یا کودک همسری، به هر نوع ازدواجی در زیر سن ۱۸ سالگی اطلاق می‌شود (یونیسف، ۱۳۸۰). بر اساس مفاد کنوانسیون حقوق کودکان^۱، کودک به کسی اطلاق می‌شود که در سنین تولد تا هجده سالگی قرار دارد. اما در برخی کشورها این سن بسته به قوانین خاص آن کشور متغیر است. صندوق جمعیت سازمان ملل^۲ ازدواج کودکان را به هر نوع ازدواج در زیر سن ۱۸ سال قبل از اینکه دختر به لحاظ جسمی و روانی آمادگی پذیرش مسئولیت‌های زناشویی و بچه‌داری را داشته باشد، اطلاق می‌کند. سازمان بهداشت جهانی^۳ کودکی را تا سن ۱۵ سالگی تعریف کرده است. بر همین مبنا در مواردی که کودک در زیر این سن قرار دارد، ازدواج زودهنگام کودکان رخ داده است؛ ازدواجی که توسط پدر یا پدربزرگ کودک از جانب وی شکل گرفته و در آن توجهی به حداقل سن قانونی ازدواج نشده است (احمدی، ۱۳۹۶).

این امر از هنجارهای سنتی و متعارف برخاسته و در هر دوی مناطق شهری و روستایی به وفور رواج دارد. کودک همسری در تاریخ بشریت یک پدیده نوظهور نیست و هم‌اینک توجه عموم، از جمله خانواده‌ها و نیز محققان، گروه‌های مدافع حقوق کودکان، سازمان‌های غیردولتی و بسیاری از نظام‌های سازمان مللی را به خود جلب کرده است؛ بدون شک سرمایه‌گذاری اجتماعی بر روی دختران، بسط سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی آنها و تضمین دسترسی شان به خدمات آموزشی و بهداشتی نشان روشنی از برابری جنسیتی است که موجبات شکوفایی جوامع قوی تری را فراهم می‌کند. بنا به تحقیقات انجام‌شده، تحصیلات عمدتاً به عنوان عاملی جهت جلوگیری از ازدواج زودهنگام در نظر گرفته می‌شود (یونیسف، ۱۳۸۳). زنان تحصیل کرده معمولاً سالم‌تر و در عرصه‌های بازار کار فعال‌ترند، درآمد بیشتری اخذ می‌کنند، فرزندان کمتری دارند و در مقایسه با زنانی که فاقد تحصیلات یا دارای تحصیلات پایین هستند، خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب‌تری را برای فرزندان خویش مهیا می‌کنند (کلاگمن، هانمر، توینگ، کلیری و سانتاماریا، ۱۳۹۳).

پدیده کودک همسری یک موضوع جهانی است؛ اما آمارها و نسبت‌های آن، هم درون مرزهای یک کشور و هم در میان جوامع مختلف، متغیر است. با این حال به لحاظ درصدهای نسبی، بیشترین میزان کودک همسری در مناطق روستایی آفریقای جنوبی و جنوب آسیا رخ می‌دهد (یونیسف، ۱۳۹۲). عطف به حمایت و توجه جهانی به این پدیده، سطح ازدواج زودهنگام به طور کلی رو به کاهش گذاشته است. هرچند درصد چشمگیری از کودکان هنوز در زیر سن قانونی جامعه خود ازدواج می‌کنند. یک مثال روشن و برجسته از این پدیده، جامعه ایران است. از منظر جنسی و حقوق بشری عمل ازدواج زودهنگام کودکان پیامد بدیهی سرکوب جنسی و اعمال مخرب سنتی است که به نگهداشت نابرابری‌های جنسیتی و سرکوب بیشتر می‌انجامد. در جهان درحال توسعه، مسئله بفرنج ازدواج زودهنگام کودکان با بالا رفتن جمعیت جوانان رو به افزایش است و عامل اصلی مسئول در این قضیه افزایش سطح فقر، فقدان دانش و تحصیلات و تبعیت از

1 . Convention of Rights of the Child

2 . UNFPA

3 .WHO

الزامات فرهنگ مردسالارانه و باورهایی است که به اشتباه حمایت و محافظت از دختران را در واداشتن شان به ازدواج های ناخواسته می دانند. متأسفانه باوجود پیامدهای جسمانی و تبعیض پایدار در حق دختران جوان، قدم های اندکی برای خاتمه عمل ازدواج زودهنگام کودکان در ایران برداشته شده است. با استناد به ساختار دینی حاکم بر ایران، بلوغ و شروع اولین عادت ماهانه به عنوان آستانه انتقال از کودکی به بزرگسالی در نظر گرفته می شود. رسیدن به این آستانه فیزیکی و بیولوژیکی به معنای صلاحیت فرد برای ازدواج، صرف نظر از سن واقعی او می باشد. اگرچه ازدواج زودهنگام به هر دوی دختران و پسران خردسال اطلاق دارد، اما واقعیت تلخ جامعه، دال بر این است که عواقب و اثرات پدیده کودک همسری برای دختر بچه ها به مراتب جدی تر و خطرناکتر است (احمدی، ۱۳۹۵). هر چند در نبود مطالعات مستقل و معتبر در خصوص کودک همسری در ایران، اطلاعات اندکی در این باره در دسترس است، آمار رسمی و دولتی ایران حاکی از این است که سالانه ده ها هزار دختر و پسر زیر سن ۱۸ سالگی توسط خانواده هایشان وادار به ازدواج می شوند. شمار واقعی این کودکان در حقیقت بالاتر از این آمارهاست. برخی از خانواده ها در ایران ازدواج سنین پایین را ثبت نکرده و یا به صورت غیرقانونی به ثبت می رسانند. در ایران بنا بر آمار موجود از سال ۱۳۸۵ تا نیمه اول سال ۱۳۹۴ تعداد ۸۹۰ هزار دختر زیر ۱۸ سال ازدواج کرده اند که در این بین دخترانی نیز بوده اند که زمان ازدواج شان زیر ۱۰ سال بوده است. همچنین در ۹ ماه اول سال ۱۳۹۵ ۲۹,۷۱۰ دختر زیر سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند. این نوع ازدواج در خانواده های ایرانی در نتیجه ریشه دار شدن فقر و میل والدین به کنترل روابط دخترانشان بوده است (احمدی، ۱۳۹۶)؛ بر این مبنا هدف این پژوهش بررسی رواج کودک همسری در هفت استان ایران را با تأکید بر عوامل مسلط اجتماعی- فرهنگی می باشد؛ عواملی که بازتاب نابرابری های عمیق جنسیتی مؤثر در تداوم حیات این پدیده هستند. اهمیت این نوع تحقیقات در تبیین شواهد و شیوع کودک همسری، این رفتار آسیب زا در ایران و کمک به تصمیم گیرندگان دولتی در تمرکزشان بر حمایت آتی از حقوق انسانی دختران است. احترام و عطف به حقوق کودک نیازمند جلوگیری و ریشه کن کردن کودک همسری و حمایت فعالانه از دخترانی است که هم اینک ازدواج کرده اند. این تنها راهی است که از طریق آن می توان از تراژدی انسانی ازدواج زودهنگام پیشگیری کرد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر تلفیقی (کیفی - کمی) و از نظر هدف کاربردی با رویکرد روش شناختی در مقیاس کلان بود. در بخش کیفی مشارکت کنندگان شامل والدین، کودکان و نوجوان دختر و پسر بودند که در سنین پایین به دلایل مختلف ازدواج کرده بودند که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش نیز مصاحبه های میدانی و تحلیلی بود و با ۳۱۱ مشارکت کننده انجام پذیرفت. برای اعتبار یافته ها نیز از روایی صوری و پایایی با روش کدگذاری مجدد توسط تیم کدگذار استفاده شد. در بخش کمی پژوهش نیز مبنای تحلیل پیمایش ها و سالنامه های مرکز آمار ایران صورت گرفته از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ بود که در هفت استان (خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان و اصفهان) کشور انجام شد. جامعه آماری جامعه هدف نیز تمام دختران و پسرانی بود که در سنین زیر ۱۸ سال ازدواج کرده بودند که به صورت نمونه گیری تصادفی از هر استان حجم تعیین شد.

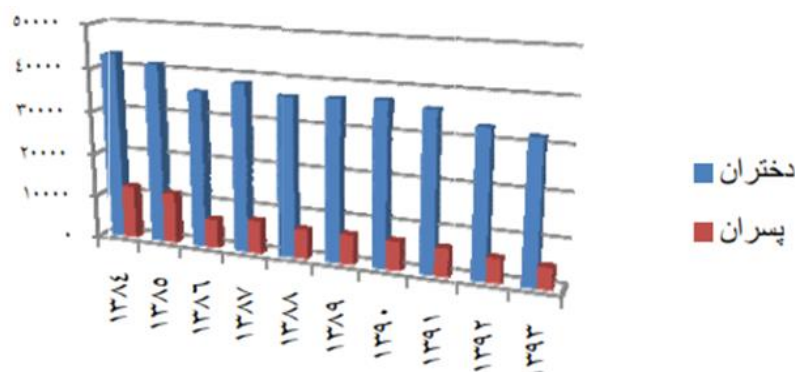
ابزار پژوهش

۱. **مصاحبه نیمه ساختاریافته.** ابزار پژوهش مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود و برای پایایی نیز از روش کدگذاری مجدد استفاده شد که حاصل کدگذاری مجدد ۳ مصاحبه، ضریب توافق ۰/۸۹ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد؛ بعد از اجرای هر مصاحبه، متن چندین بار مورد بازخوانی قرار گرفتند و تحلیل شدند. در بخش کمی نیز، پیمایش‌های انجام شده در استان‌های هدف جمع‌آوری شد و مورد تحلیل ثانویه قرار گرفتند.

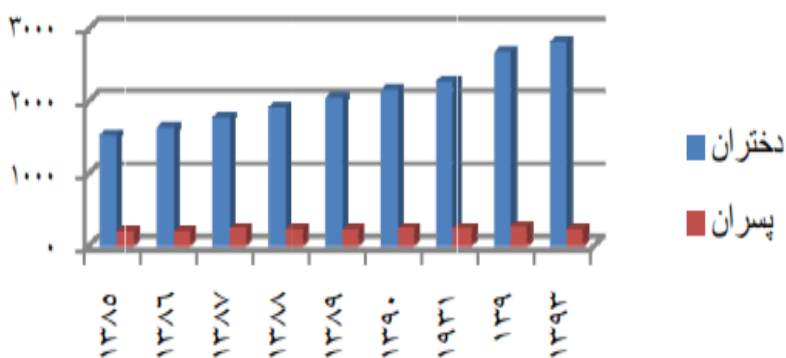
روش اجرا. شیوه اجرای پژوهش چنین بود که بعد از شناسایی و امکان برقراری ارتباط با مشارکت‌کنندگان سؤالات اولیه پژوهش جهت ملاحظه آنان و آمادگی نسبت به موضوع در اختیار آنان قرار گرفت. زمان انجام مصاحبه بسته به توضیحات مشارکت‌کنندگان حدود ۴۰ دقیقه و بیشتر بود. ابتدا هدف پژوهش برای مشارکت‌کنندگان شرح داده شد و سپس سؤالات مطرح شدند. در پرسیدن سؤالات هیچ‌گونه محدودیتی وجود نداشت و هر نکته و موضوعی که در تبیین ازدواج زودهنگام مفید بود مورد توجه قرار گرفت. گاهی برای توضیح بیشتر نکته و ابهام جمله، مجدد رفت‌وبرگشت‌هایی بین مشارکت‌کننده و محقق صورت گرفت تا دقیقاً اطمینان نسبت به نظر و دیدگاه مشارکت‌کننده حاصل شود. برای رعایت مسائل اخلاقی پژوهش از مشارکت‌کنندگان اجازه ضبط مکالمات گرفته شد که به جز ۳ مورد، بقیه ضبط شدند. همچنین این اطمینان به آنان داده شد در پایان نتایج و فرایند آن در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار خواهد گرفت.

یافته‌ها

۱. **استان خراسان رضوی.** خراسان رضوی و مرکز آن مشهد مقدس پایتخت معنوی ایران از جمله استان‌های مهم مذهبی در ایران می‌باشد. این استان ترکیبی از اکثریت شیعه و اقلیت سنی مذهب دارد و افراد مذهبی از ازدواج کودکان حمایت می‌کنند. بر این مبنا نقش باورهای اعتقادی و مذهبی در ازدواج کودکان نقش مهمی ایفا می‌کند. در این استان کودک همسری نشئت گرفته از نگاه مرد سالارانه است. عواملی چون مالکیت آب و زمین به منزله عوامل مهمی است که برای دسترسی به آنها ازدواج کودکان صورت می‌گیرد. ازدواج‌ها بیشتر جنبه خانوادگی و طایفه‌ای دارد و بر مبنای آن پیوند های خانوادگی و قبیله استحکام می‌یابد. مهریه در صورتی که ازدواج‌ها از نوع خانوادگی باشد کمتر از غیر از آن است اما عامل مهمی در سن ازدواج می‌باشد. هر چقدر سن دختران کمتر باشد میزان مهریه بیشتر می‌باشد. بررسی نسبت ازدواج زودهنگام کودکان در دهه اخیر در استان حاکی از این است که سهم ازدواج کودکان در مجموع ازدواج‌های هر ساله، همواره بیش از ۳۵ درصد را نشان می‌دهد. ازدواج کودکان در این منطقه در دهه اخیر رو به کاهش است اما میزان طلاق کودکان رو به افزایش است. همچنین میانگین ازدواج و طلاق کودکان دختر بیشتر از پسران است.



نمودار ۱. میزان ازدواج زیر سن ۱۸ سال در دهه گذشته در استان خراسان رضوی



نمودار ۲. میزان طلاق زیر سن ۱۸ سال در دهه گذشته در استان خراسان رضوی

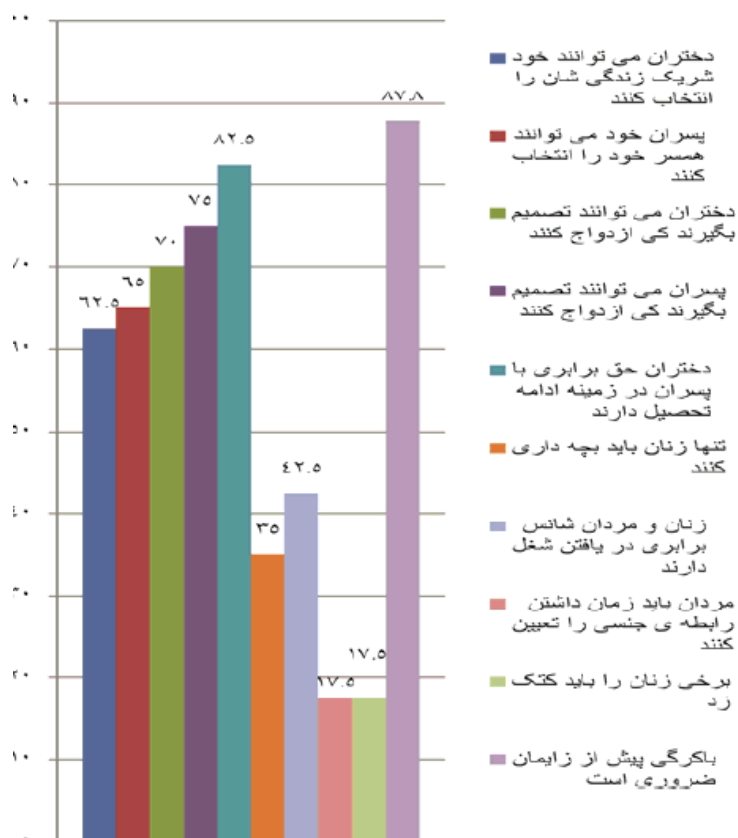
تحلیل دقیق هر دوی نمودارهای فوق نشانگر این است که ازدواج زودهنگام کودکان تأثیر ژرف تری بر روی دختران دارد تا پسران. از مهم ترین عوامل موثر در این منطقه در ازدواج کودکان نگاه مرد سالارانه و انقیاد زنان از سوی مردان جهت کنترل امیال جنسی آنها است همچنین فقر، کمبود تحصیلات، اعمال فرهنگی و ناامنی، وجود کودک همسری را تشدید و تقویت می نماید زیرا دختران به اندازه پسران ارزشمند محسوب نشده و به عنوان باری بر دوش خانواده شان دیده می شوند. شمار زیادی از ازدواج ها در سنین خردسالی به طلاق در سن خردسالی کشیده شده اند. دخترانی که جوان ازدواج می کنند بیشتر محتمل به طلاق در سنین پایین می باشند. کودک عروسان همواره فاقد قدرت و وابسته به شوهرانشان هستند. سالانه نرخ های طلاق رو به افزایش نهاده اند و این امر دختران را با مشکلات بیشتر اجتماعی مواجه کرده است؛ مشکلاتی که به عنوان یک کودک بیوه یا کودک مطلقه قادر به دست و پنجه نرم کردن با آن نیستند. مسئولیت هایی که دختر بچه در تبدیل شدن به همسر، سپس مادر و سپس بیوه به دوش می کشد فاجعه بار است. این دختران در صورتی که شوهرانشان ترکشان کند، بمیرد یا طلاقشان دهد، نسبت به فقر پایدار آسیب پذیرترند.

با این وصف که دختران در ازدواج زودهنگام به طرز قابل توجهی از شوهرانشان کوچکترند، زودتر هم بیوه شده و با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی به مدت مدیدی از زندگی‌شان رو به رو خواهند شد. علاوه بر این چون ازدواج کودکان یک قرارداد اتحاد درون خانواده‌ای محسوب می‌شود، شکستن آن - یعنی طلاق - می‌تواند عواقب جدی‌ای برای خانواده‌ها و برای دختر داشته باشد. حتی دخترانی که امکان طلاق گرفتن از شوهر سوءاستفاده‌گر یا بدرفتار خود را دارند نیز در خطرند زیرا قدرت کسب درآمد، تحصیلات و حمایت مالی اندکی دارند.

نتایج پیمایش در استان خراسان رضوی حاکی از این است که اکثریت پاسخگویان در فاصله سنی ۲۵ الی ۳۰ ساله بودند. در این بازه سنی ۸۲ درصد را زنان و ۱۸ درصد را مردان تشکیل می‌دادند که با شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند. ۵۲/۲ درصد از ایشان هم اکنون ازدواج کرده و ۴۲/۵ درصد مجرد و ۵ درصد از آن‌ها مطلقه بودند. پاسخگویان دامنه متنوعی از ملیت‌ها را تشکیل می‌دادند؛ یعنی فارس (۵۵ درصد)، ترک (۳۵ درصد)، کرد (۵ درصد) و افغان بودند. در خراسان رضوی ترک تحصیل از مهم‌ترین عواملی است که بر روی ازدواج کودکان موثر است. نتایج منفی ملازم ازدواج کودکان و ترک تحصیل از مدرسه تأثیر تخریبی دومی‌نوی نه تنها برای خود کودک عروس بلکه بر فرزندان و در کل، بر تمامی جامعه در بر دارد. رواج کودک همسری با نرخ‌های بالای رشد جمعیت، یتیم‌شدگی بیشتر، و شیوع بیشتر بیماری‌ها ارتباط مستقیم دارد (فیلد و امبروس، ۱۳۸۷). در این مناطق والدین بویژه پدر خانواده برای ازدواج کودک تصمیم می‌گیرد و کودک دخالتی در تصمیم‌گیری ندارد. در استان خراسان رضوی ۵۲/۴ درصد از تصمیم‌های ازدواج توسط والدین یا سایر اعضای خانواده به غیر از خود فرد گرفته شده بود. در زمانی که مراسم ازدواج ترتیب داده شده بود ۴۲/۹ درصد از افراد تمایل به ازدواج نداشتند.

نتایج نشان داده است که ۲۷ درصد از قربانیان ازدواج زودهنگام هنوز در حال تحصیل هستند و ازدواج دلیل عمده ترک مدرسه برای ۴۵ درصد از افراد بود تا بتوانند کارهای خانه‌داری و وظایف بچه‌داری را به انجام برسانند. اکثریت پاسخگویان تنها تحصیلات ابتدایی داشتند و تنها ۱۰ درصد از آنها این شانس را یافته بودند که تحصیلاتشان را تا کلاس دوازدهم (پایان دبیرستان) ادامه دهند. در ۵۷/۱ درصد از موارد زن قبل از ازدواج به مدرسه می‌رفته است، و در ۷۴/۱ درصد موارد به وی قول ادامه تحصیل پس از ازدواج داده شده بود اما این امر در واقعیت تحقق پیدا نکرد. در نتیجه ازدواج کودکان سلامت جنسی و باروری دختران خردسال بیش از چیزی تحت تأثیر قرار می‌گرفت. جسم دختر بچه‌ها از لحاظ فیزیکی شرایط مناسبی برای زایمان ندارد و دختر به قدر کافی بالغ نبوده و در نتیجه هم سلامت مادر و هم سلامت فرزند به خطر می‌افتد. ۹۷ درصد از نمونه مورد مطالعه در استان خراسان رضوی یکبار زایمان را تجربه کرده‌اند. دخترانی که قبل از ۱۵ سالگی زایمان کرده بودند تا حدود ۸۸ درصد ریسک دچار شدن به زخم پارگی زایمان را داشتند که آنها را در مقابل عفونت‌ها آسیب‌پذیر می‌کرد. درد و عفونتی که در تمام طولی زندگی همراه آنها خواهد بود. دانش در خصوص زخم پارگی زایمان در میان زنان پایین بود. حتی وقتی با استفاده از اصطلاحات محلی، توضیحات بیشتری در اختیار آنها قرار گرفت اکثریت زنان حتی کسانی که بیش از ۱۵ بخیه را در حین زایمان داشتند، نمی‌دانستند که در واقعیت زخم پارگی زایمان را تجربه کرده‌اند.

به طور کلی نتایج نشان داد ۶۰ درصد پاسخگویان عقیده داشتند که ازدواج زودهنگام کودکان باید متوقف شود و ۳۲/۵ درصد عقیده داشتند که این امر بستگی به ویژگی بدنی و عقیده شخص دارد. هیچکدام از پاسخگویان اط لای از سن قانونی ازدواج نداشتند. زمان پاسخگویی به این سؤالات آنها می پنداشتند سن قانونی ازدواج ۱۸ سال به بالا است. اکثریت افراد معتقدند سن ۱۵ سالگی برای ازدواج دختران و ۲۰ سالگی برای ازدواج پسران زود است و بر این باور بودند سن ایده آل برای ازدواج فرزندانشان ۲۰ سالگی است. ۶ درصد از زنان گزارش دادند که



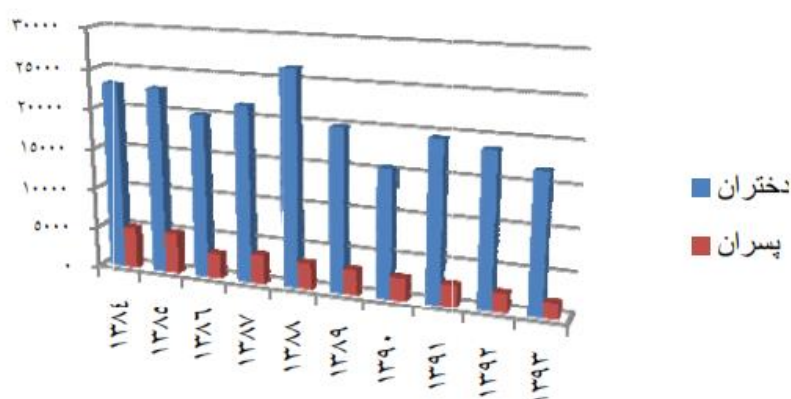
برخلاف میلشان مورد لمس یک مرد قرار گرفته اند و ۹ درصد رابطه جنسی اجباری را تجربه کرده بودند. ۲۱/۲ درصد از زنان متأهل بیان کردند که مجبور به رابطه جنسی با شوهرانشان بودند و تعداد کمی از آنها توانایی این را داشتند که با شوهرشان در مورد عدم علاقه به رابطه جنسی بحث و مذاکره کنند زیرا می پنداشتند آمیزش جنسی به طور اجتناب ناپذیری بخشی از وظایف زناشویی آنهاست. رایج ترین واکنش اساسی به این آمیزش اجباری ناراحتی (۴۲/۹ درصد)، نفرت (۲۸/۶ درصد) و خشم (۲۸/۶ درصد) بود.

نمودار ۳. میزان موافقت با نگرشهای جنسیتی در استان خراسان

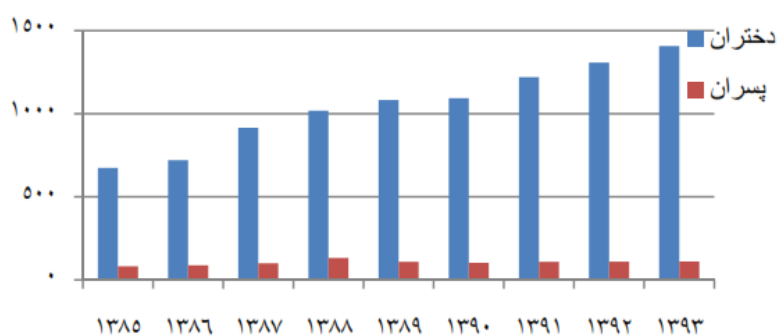
۲. استان آذربایجان شرقی

آذربایجان شرقی، با اکثریتی شیعه مذهب و ترک با تسلط زبان آذری از استانهای مهم کشور می باشد. آذربایجان شرقی سومین رتبه را در ازدواج دختران ۱۵ تا ۱۹ سال و پنجمین رتبه در ازدواج پسران ۱۵ الی ۱۹ سال، اولین رتبه در ازدواج کلی دختران و پسران ۱۰ الی ۱۴ سال را داراست. آنچه در مشاهدات ادراک می شود بحث کارکردی اقتصادی ازدواج کودکان به منظور بهبود زندگی و معیشتی خانواده بوده است. همچنین فشار اجتماعی و اینکه ازدواج یکی از عوامل پذیرش اجتماعی می باشد از عوامل موثر بر ازدواج

کودکان در این استان بوده است. اکثراً ازدواج‌ها توسط خانواده و در درون سیستم خویشاوندی ترتیب داده شده و تمایل خود کودک به هیچ عنوان در نظر گرفته نمی‌شود. در دهه اخیر سهم کودک همسری هیچ‌گاه کمتر از ۳۰ درصد ازدواج کلی در تمام سنین نبوده است. در طول دهه گذشته ازدواج کودکان به لحاظ نرخ و فراوانی آمار بالایی را دارا بوده که در سال‌های اخیر روند نزولی داشته است. همانطور که نمودار ۴ نشان می‌دهد به موازات کاهش کودک همسری، طلاق کودکان در حال افزایش است. سالانه شمار بیشتری از کودک عروسان و کودک دامادان ادامه زندگی مشترک را غیر عملی می‌دانند و در همان سنین پایین طلاق می‌گیرند.

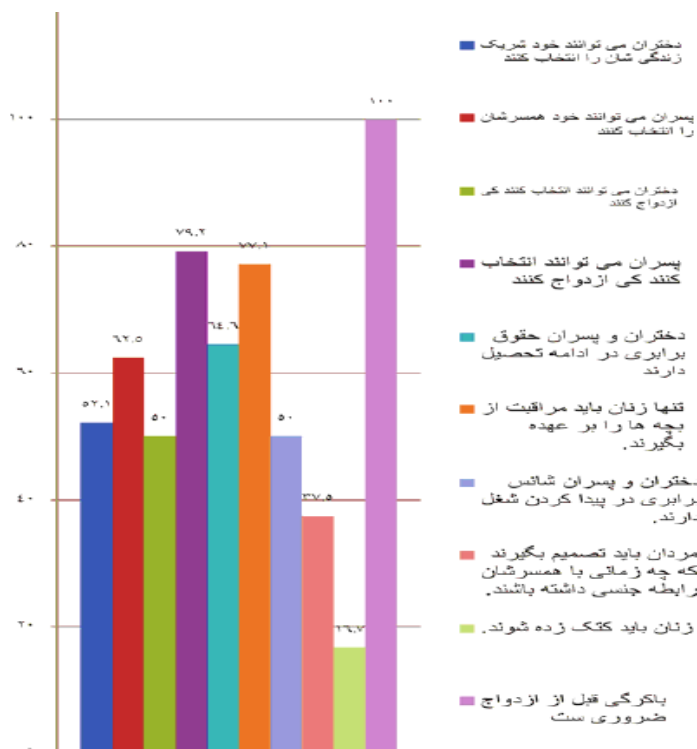


نمودار ۴. میزان ازدواج زیر سن ۱۸ سال در دهه گذشته در استان آذربایجان شرقی



نمودار ۵. میزان طلاق در سنین زیر ۱۸ سال در استان آذربایجان شرقی

حجم نمونه در استان آذربایجان شرقی به طور تصادفی به ۶۴/۶ درصد زن و ۳۵/۴ درصد مرد تقسیم شد. محدوده سنی پاسخگویان عموماً ۲۲ تا ۲۸ سال بود. از مهم‌ترین دلایلی که در جمعیت نمونه مبنی بر علل ترک تحصیل دارای بیشترین فراوانی بود عامل ازدواج کردن بوده است. یعنی تحصیلات پایین از مهم‌ترین



عواملی است که با کودک همسری در این منطقه ارتباط دارد. نقش های زنان محدود به کار خانگی و همسر داری و بچه داری بوده است. روندی که به طور عمومی در تمامی مناطق مورد بررسی دیده شد این بود که دختران دارای کمترین و پایین ترین سطح دانش در خصوص جسم خودشان بودند. ۷۷/۴ درصد از آن ها هیچ گونه اطلاعی از مشکلات سلامتی جنسی و بیماری های زنانه و راه رفع این مشکلات نداشتند. ۴۸ درصد از این زنان هرگز مشکل "پارگی یا زخم زایمان" را نشنیده بودند در حالی که ۱۹/۴ درصد از آن ها در واقع آن را تجربه کرده بودند. اکثریت پاسخگویان در مورد برنامه های بهداشتی و

آموزشی زایمان اطلاعات چندانی نداشتند و اطلاعات خود را از خانواده هایشان گرفته اند. در میان جمعیت نمونه ۱۸/۸ درصد و ۴۱/۷ درصد از پاسخگویان به ترتیب در ۱۸ و ۱۵ سالگی نامزده شده بودند.

۳. استان خوزستان

استان خوزستان سومین استان هدف در این مطالعه بود. قومیت های مختلفی در این بخش زندگی می کنند، از عرب گرفته تا لر، بختیاری و فارس. اکثریت پاسخگویان دارای مذهب شیعه بوده و به زبان فارسی، عربی یا لری صحبت می کردند. اقلیم گرمسیری در این ناحیه دلیل بلوغ زودهنگام در بین دختران و پسران است؛ به این معنا که کودکان علیرغم سن بیولوژیکیشان ممکن است به عنوان بزرگسالی در نظر گرفته شوند که برای ازدواج آماده است. در دل این امر ازدواج کودکان ریشه در نابرابری جنسی و این باور دارد که زنان و دختران پایین تر و پست تر از پسران و مردانند. جبرگرایی جغرافیایی عامل بسیاری از رسوم و هنجارهای اجتماعی مربوط به ازدواج کودکان است. به خاطر شرایط نامساعد آب و هوایی و دمای بالا در طول روز، فعالیت هایی هم چون کشاورزی و باغداری تقریباً غیر ممکن است. از این رو ساعت کاری خانواده محدود به صبح زود و عصر می باشد، یعنی زمان هایی که دمای هوا مقداری پایین تر می آید. این به معنای نیاز مبرم به کارگران بیشتر کارهای یدی در درون خانواده است که نیاز به کودک همسری و ازدواج کودک را تحریک و تشویق می نماید. انقیاد زنان از سوی مردان بسیار محسوس بود.

داده های تحقیق حاکی از آن هستند ازدواج زودهنگام کودکان در استان خوزستان، کاهش سالانه آهسته ای را نشان میدهد. درصد کلی رواج ازدواج کودکان همواره ۳۰ تا ۴۰ درصد از مجموع ازدواج های استان را

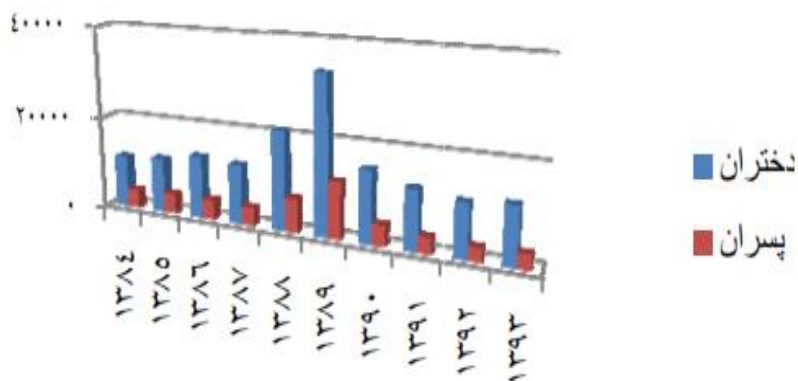
به خود اختصاص داده است. ازدواج دختران زیر ۱۸ سال بسیار بالاتر از میزان ازدواج پسران در همین سن است. اما مانند سایر استان‌های دیگر، روند کودک همسری در خوزستان نیز رو به کاهش است. همانطور که نمودارها نشان می‌دهند برخلاف ازدواج زودهنگام که رو به کاهش است، هر ساله شمار بیشتری از کودکان در گوه‌های سنی زیر ۱۸ سال طلاق می‌گیرند و کودک بیوه محسوب می‌شوند. در اینجا نیز، دوباره این مسئله زنان را بیشتر از مردان قربانی می‌کند. دختران آسیب‌پذیر و مطلقه زیر ۱۸ سال بیشتر از پسران خردسال مطلقه دیده می‌شوند.

۴. استان سیستان و بلوچستان

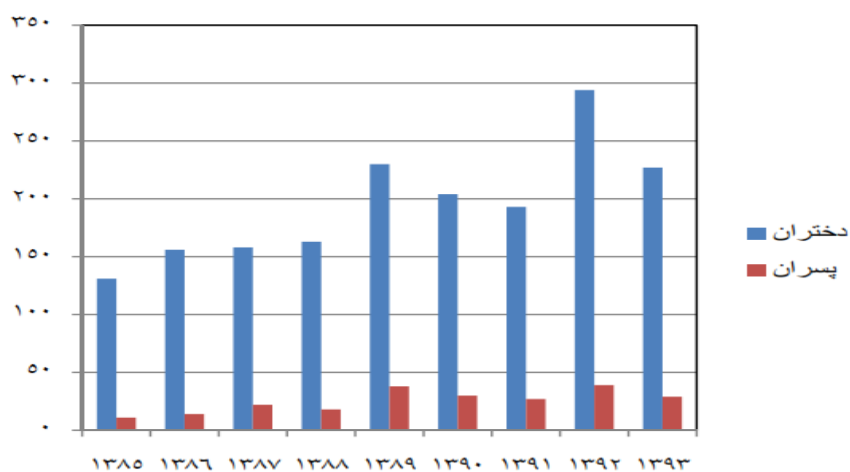
این استان با اقلیم بیابانی و خشک‌ش یکی از فقیرترین و محرومترین نواحی ایران است. سیستم اعتقادی غالب تسنن است اما گروهی اقلیت از شیعیان مسلمان نیز در قسمت‌های شمالی استان زندگی می‌کنند. در مجموع آمار مربوط به ازدواج‌های انجام‌شده حاکی از این است که استان سیستان و بلوچستان در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال در رتبه پنجم قرار دارد. جنگ و درگیری در منطقه عامل اصلی شکل‌گیری تاریخ این استان بوده است. این استان به واسطه نبود سیستم تحصیلی مناسب و دیگر حمایت‌های اجتماعی و امکانات زیرساختی، مشابهات یکدست و یکنواختی را نشان می‌دهد، به این معنی که تفاوت فاحشی بین مناطق شهری و روستایی دیده نمی‌شود. روش رایج زندگی در این سیستم فئودالی و قبیله‌ای بر خویشاوندی تمرکز دارد و این جمعیت این استان در یک سیستم قبیله‌ای و طایفه‌ای زندگی می‌کنند که در آن رضایت در خصوص ازدواج کودکان فقط تحت تأثیر فرهنگ نیست. ازینرو این شیوه ازدواج زودهنگام کودکان اثر بزرگی نه تنها بر روی تحصیل دختران بلکه بر رفاه فیزیولوژیکی آنها نیز دارد. کمبود آگاهی، فقر، تبعیض گسترده جنسی بر روی دختران از علل اساسی ای هستند که والدین را وادار به ازدواج دادن دختران و پسرانشان قبل از سن ۱۸ سالگی می‌کند. اگرچه نرخ مولید در این استان ۵/۶۴ درصد می‌باشد، اما ۱۲ درصد از مرگ و میر مادران در کل کشور را تشکیل می‌دهد در این استان کودک همسری به قدر رایج است که به شکل نوعی هنجار در آمده است. از رسوم و عادت‌هایی که منجر به شیوع کودک همسری در این استان می‌باشد رسم نافبری^۱ بوده است که اکثریت پاسخگویان یا خود یا اطرافیان‌شان آن را تجربه کرده بودند.

داده‌ها نشان دهنده آن است که ازدواج زودهنگام کودکان در سیستان و بلوچستان در هر سال کمتر از ۴۰ درصد نبوده است. نمودار افزایش کودک همسری در ده سال گذشته با چرخشی روبه پایین در سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۳ را نشان می‌دهد. این افزایش تدریجی و کاهش ناگهانی برای هر دو جنس از سال ۱۳۹۰ به بعد صادق است. نرخ طلاق در استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سایر استان‌ها، فراوانی و تکرار پایین تری را نشان داده است. زمینه‌های مذهبی و محرومیت استان همراه با سبک زندگی قبیله‌ای منجر به سطح پایین رواج طلاق در این منطقه شده است. این نرخ در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

۱. این رسم فراگیر به این معناست که دو نوزاد با رضایت والدینشان به نامزدی هم درمی‌آیند و قرار بر این است زمانی که بزرگ شدند باهم ازدواج کنند.



نمودار ۶. میزان ازدواج زیر ۱۸ سال در استان سیستان و بلوچستان

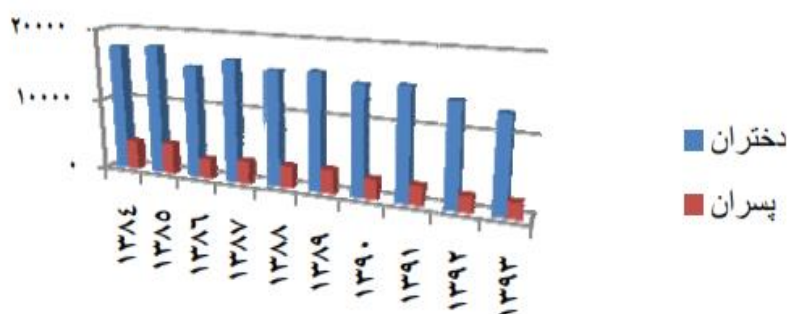


نمودار ۷. میزان طلاق در سن زیر ۱۸ سال در استان سیستان و بلوچستان

۵. استان آذربایجان غربی

برخلاف نام این استان که تسلط آذری ها را می نمایند، جمعیت این ناحیه را اکثریت اکراد واقع در شهرهای کرد زبان تشکیل می دهد مردم در شهر های کرد اکثراً سنی مذهب بوده در حالی که در شهر های ترک نشین دین تشیع اکثریت دارد. استان آذربایجان غربی هفتمین رتبه در ازدواج دختران در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال و پنجمین رتبه در گروه سنی ۱۵ الی ۱۹ سال را داراست. در ازدواج زودهنگام پسران در این استان، سومین و چهارمین رتبه در گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال و ۱۵ الی ۱۹ سال را دارد. این استان رتبه پنجم و چهارم را در ازدواج کل دختران و پسران در گروه های سنی ۱۰ الی ۱۴ سال و ۱۵ الی ۱۹ سال را داراست. هنجارهای این منطقه به دلیل بافت متفاوت فرهنگی و قومی متنوع بود. یکی از انواع ازدواج که در

برخی از مناطق این استان به شکل نرم و هنجار در آمده بود، ازدواج ربایشی بود. فشار اجتماعی برای ازدواج زودهنگام عمده ترین دلیلی بود که نمی گذاشت والدین اجازه دهند که فرزندان خردسالشان مجرد بمانند. همانطور که مداوماً دیده شد، ازدواج زودهنگام کودکان در بعضی اجتماعات ایران یک سنت پابرجا و با قدمت باقی می ماند که به وسیله فقر، کمبود تحصیلات، فرصت های اقتصادی همچنین رسوم اجتماعی ای که حقوق زنان و دختران را محدود می کنند و استقلال تصمیم گیری فردی شان را از آن ها می گیرد تقویت می شد. ازدواج زودهنگام کودکان در درون ساختار مادون بودگی دختران در جامعه شکوفا شده است و در استان آذربایجان غربی، نگرانی های اجتماعی و فشار های جامعه محلی عوامل محرک و تقویت گر کودک همسری بوده اند. تحصیلات دختران اغلب به علت فقر و باور اینکه درس خواندن و مدرسه منجر به حضور زن می شود و عفت وی از بین می رود از سوی مردان برای دختران ممنوع شده است دختران از تحصیل باز می مانند. جالب اینکه مادران جوانی که خودشان بازمانده ای از ازدواج زودهنگام کودکان بودند، این میراث را به دختران خودشان با اجازه ندادن وی به ادامه تحصیل و سایر انتخاب های زندگی اش منتقل می کردند. یک دلیل عمده رایج این است که زنان از روند تصمیم گیری حذف شده اند، که این بر زندگی خودشان، سلامت جنسی و رفاهشان تأثیر گذاشته است. آن ها در جامعه ای زندگی می کنند که جایگاه زن را در درون چهارچوب دیوارهای یک خانه تعریف می کند. بسیاری از این زنان موافق ازدواج

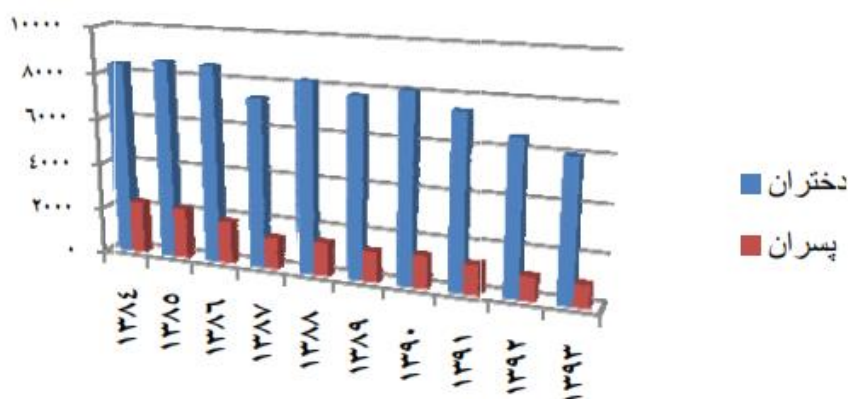


نمودار ۸. میزان ازدواج زیر سن ۱۸ سال در استان آذربایجان غربی

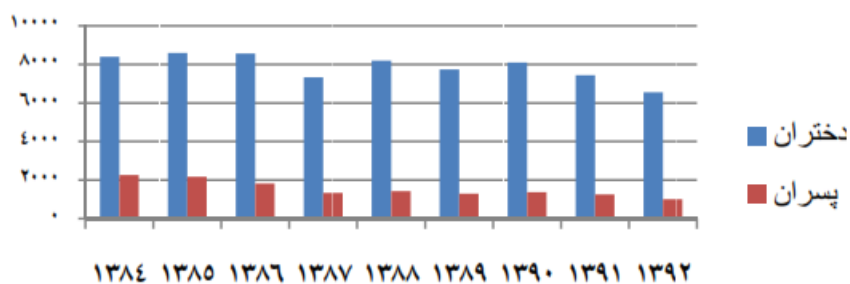
۶. استان هرمزگان

قومیت های فارس، عرب و بلوچ جمعیت این استان را شکل می دهند. مجاورت این استان با قطر، دبی، عمان و یمن اثری فرهنگی و اقتصادی در این استان داشته است. بخش های جنوبی استان و جزایر آن عمدتاً مسلمانان سنی مذهب، و بخش های شمالی آن را اهل تشیع تشکیل می دهند. استان هرمزگان رتبه سوم در ازدواج در گروه سنی ۱۰ الی ۱۴ سال را داراست و یکی از محروم ترین استان های ایران با آمار بالای مرگ و میر مادران می باشد. یک اعتقاد رایج در استان هرمزگان مشابه سایر مناطق استوایی، این است که گرما و دما رشد و بلوغ افراد را تسریع می کند. دختران بر همین اساس سریع تر رشد می کنند و جسماً به

قدر کافی بالغ می شوند که در سنین پایین ازدواج کنند. توجیه اسلامی ازدواج زودهنگام کودکان در این منطقه این است که فرد باید هر چه زودتر تحت چنین شرایطی ازدواج کند. تحلیل داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهد ازدواج کودکان هرگز کمتر از ۳۰ درصد ازدواج‌های کل استان هرمزگان نبوده است. براساس نمودارها و همخوان با داده‌های بدست آمده از دیگر استان‌ها، استان هرمزگان نیز دارای روند نزولی نرخ ازدواج زودهنگام کودکان می‌باشد. اما تفاوت‌های جنسی هنوز بالا است و بیشترین کودک همسری در میان دختران است. در مقابل درصد‌های طلاق در استان افزایش یافته است. دختران زیر ۱۸ سال به زنان مطلقه تبدیل شده و این روند هر ساله رو به رشد نهاده است.



نمودار ۹. میزان ازدواج زیر سن ۱۸ سال در استان هرمزگان

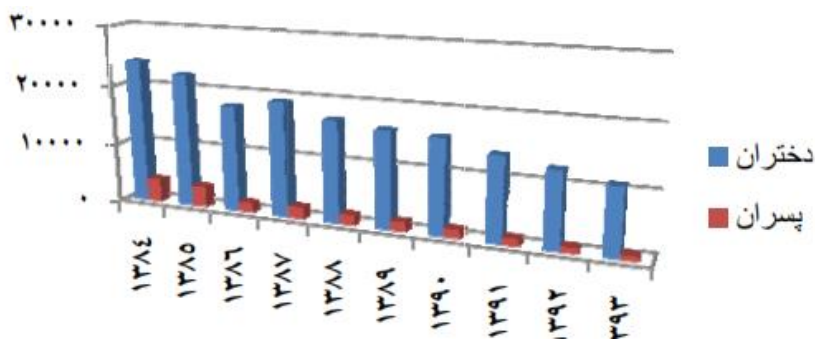


نمودار ۱۰. میزان طلاق زیر سن ۱۸ سال در استان هرمزگان

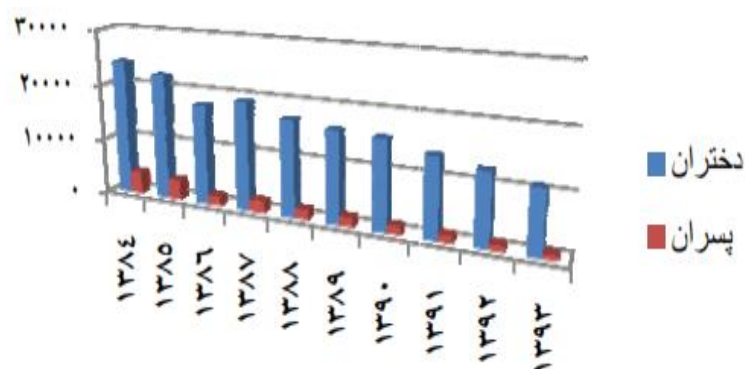
۷. استان اصفهان

اکثریت مردم اصفهان باورهای سنتی خود را حفظ کرده‌اند و این پابندی در بیشتر زمینه‌های اجتماعی استان دیده می‌شود. بر مبنای داده‌های گردآوری شده نرخ کودک همسری بصورت سالانه بین ۲۰-۴۰ درصد از ازدواج کل را در برمی‌گیرد. یافته‌ها نماینگر رواج ازدواج زودهنگام کودکان در دهه‌ی اخیر می‌باشد.

باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود نرخ تفاوت بر مبنای جنسیت بدین معنی است که کودک همسری در میان دختران بیشتر از پسران است. بررسی‌ها کاهش نرخ ازدواج کودکان را در بازه ده ساله نشان می‌دهد. در مقابل نرخ طلاق نیز در چشم انداز دهه اخیر ترسیم شده است. بدیهی است که نرخ طلاق هر سال تغییر می‌کند اما نه در یک روند ثابت.



نمودار ۱۱. میزان ازدواج زیر سن ۱۸ سال در استان اصفهان



نمودار ۱۲. میزان طلاق زیر سن ۱۸ سال در استان اصفهان

بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج زودهنگام کودکان یا کودک همسری یک پدیده جهانی و شناخته شده است که در سال‌های اخیر آگاهی و شناخت از اثرات مخرب آن توجه تعداد زیادی از محققان و رهبران دنیا را به خود جلب کرده است. ضدیت بین‌المللی و محکومیت ازدواج زودهنگام کودکان وضوح و جهت‌گیری روشن‌تری یافته است. با این حال، آنچه در میان بحث‌ها و مناظرات ازدواج کودکان ناگفته مانده، سکوت گوش‌خراش در مورد وقوع و رواج این رسم در ایران است. در جامعه ایران علی‌رغم اقدامات و خط‌مشی‌های که در این زمینه صورت گرفته، هنوز بسیاری از آن‌ها ناشناخته و بسیاری دیگر مسکوت مانده‌اند. دلایل متعددی برای کودک همسری

وجود دارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دلیل بنیادی اینکه چرا ازدواج زودهنگام کودکان در جامعه سنتی ایران تداوم یافته جهان‌بینی مردمحوری می‌باشد که البته قوانین موجود ازدواج که به خانواده‌ها امکان ازدواج دختران از ۱۳ سالگی (با اذن ولی و رای دادگاه تا ۹ سال نیز امکانپذیر می‌باشد) و برای پسران ۱۵ سال را به عنوان ابزار مهم حقوقی، شرعی و قانونی نمی‌توان نادیده گرفت. این همان دلیلی است که کودک همسری را برای نسل‌ها در فرهنگ ایران باقی گذاشته است. فقر از دیگر عوامل تأثیرگذار است. زمانی که فقر عامل تعیین‌کننده گرفتن تصمیمات خانوادگی ست ازدواج زودهنگام کودکان به‌عنوان راه‌حلی عملی جهت کاهش مایحتاج مالی خانواده قلمداد می‌شود. فقر می‌تواند مانند یک نیروی قدرتمند والدین کودک را وادار کند تا با ازدواج زودهنگام پناهی برای کودکان خود بیابند. احساس کمبود امنیت محرک کودک همسری ست. ازدواج زودهنگام محافظ و پاسخی به احساس ناامنی ناشی از جنگ و درگیری‌های داخلی می‌شود. چنانچه در نتایج تحقیقات دیده شد، در مکان‌هایی که درگیری‌های داخلی، جنگ یا کشمکش وجود داشت ازدواج کودکان دروازه‌ای به زندگی امن‌تر برای کودک در نظر گرفته می‌شد. قشربندی اجتماعی خود به ازدواج کودکان شکل می‌بخشد. قدرت نیروهای اجتماعی که به‌شدت در اعتقادات و رسوم قدیمی جای دارد تلاش می‌کند تا بر قوانین رسمی مشروع تسلط یابد، همان‌طور که چنین قوانینی پیش‌ازپیش اعمال می‌شوند. زمانی که بین هنجارهای اجتماعی و تفسیرهای دینی تضاد وجود داشته باشد، این دومی است که خود را با اولی تطبیق می‌دهد. در مورد ازدواج زودهنگام، ننگ اجتماعی از دست دادن آبرو در جامعه و ترس از مطرود شدن به خاطر تبعیت نکردن از هنجارهای اجتماعی علل رواج کودک همسری هستند. رسوم نامناسب رایج و هنجارهای جنسیتی، فرهنگی و اجتماعی که در جوامع ایرانی، علی‌الخصوص شهرهای کوچک و روستاها وجود دارد، به نگهداشت رسم کودک همسری کمک می‌کند. در جامعه سنتی که در آن از دست دادن بکارت هنوز یک تابو است، رسوم پیرامون ازدواج و نامزدی، برای جلوگیری از تغییر این تابوها شکل می‌گیرد. در ایران بسیاری از دختران از طریق هنجارهای باکرگی و پاک‌دامنی اجتماعی می‌شوند. حفاظت از آنچه به‌عنوان افتخار دخترانشان شناخته می‌شود بر مسئولیت والدین به‌عنوان دفاع از شرایط خانواده و طایفه فشار وارد می‌کند. ازدواج دختران جوان به‌عنوان ابزاری برای کاهش فعالیت‌های جنسی غلط یا ارشاد آن‌ها تعریف می‌شود. در این شرایط داشتن دختر جوان در خانه تهدیدی ست برای آنچه از قبل تابو انگاشته شده، چراکه دختران ممکن است وارد روابط قبل از ازدواج شوند. این ترس قوی حقوق اولیه دختران برای تحصیل و حقوق اولیه اینکه چه زمانی و با چه کسی ازدواج کنند را از آن‌ها می‌گیرد. ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل وقایع توأمانی هستند که نقطه پایانی برای فرصت پیشرفت در زندگی دختران خردسال می‌باشند. اتفاقی که هم‌زمان و ملازم با ازدواج کودکان روی می‌دهد ترک تحصیل از مدرسه است. در یک خانواده فقیر، ارزش ادامه تحصیل دختر مستقیماً با چشمداشت بهبود اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد مرتبط است. در نتیجه سطح‌های پایین آموزش یا سواد و محدودیت استقلال اقتصادی آسیب‌پذیری دختران را افزایش داده است. آرزوهای یک دخترچه در حوزه‌های آموزشی و حرفه‌ای ممکن است توسط نقش‌های جنسیتی از پیش تعیین‌شده که می‌گوید یک زن محدود به دیوارهای داخلی یک‌خانه است تعیین شود. سرمایه‌گذاری بر روی تحصیلات دختران با اقتصاد خانواده‌های فقیر در تضاد است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که اثرات ازدواج زودهنگام کودکان، امنیت، پیشرفت کاری و تحصیلی و سلامت عاطفی کودکان را به مخاطره می‌اندازد. ازدواج زودهنگام حکم به پایان ناگهانی کودکی داده و با بازداشتن کودکان از رشد فیزیولوژیکی و جسمی لازم برای آمادگی ذهن و جسم و فکرشان برای تبدیل شدن به همسرانی بالغ، والدینی آگاه و در کل شهروندانی کنشگر، آن‌ها را با بی‌رحمی به دنیای بزرگ‌سالی هل می‌دهد. ازدواج در سنین کودکی با مسیر طبیعی این رشد تناقض دارد. این دختران جوان نه کودک‌اند و نه بزرگ‌سال. زیرا مانند یک بزرگ‌سال به نظر می‌رسند ولی هنوز از نظر قدرت تصمیم‌گیری و استقلال درونی دچار کمبود هستند. ازدواج کودکان هویت آن‌ها را مخدوش ساخته و ایشان را به غلط بزرگ‌سال می‌نامد. زندگی آن‌ها بدون دنیای مردان لنگ خواهد ماند، دنیایی که آن‌ها دیگر نه یک دخترچه‌اند و نه یک زن. با قرار دادن بچه‌ها در نقش بزرگ‌سالان، کودک همسری تغییراتی را در نسل‌های حال و آینده تحمیل می‌کند، از نظیر بارداری‌های متعدد، محدودیت دسترسی به تحصیلات و فرصت‌طلبی‌های مالی از نسل جوان. تأکید بر گوشه‌گیری اجتماعی، ترک و بیوگی زودهنگام و به دام افتادن بازماندگان در قواعد و نقش‌های منسوخ و قدیمی شده است. تبعیض و ظلم بر مبنای جنسیت به حوزه تفکر گروهی نفوذ کرده و به نسل بعد منتقل می‌شود. بارداری‌های ناخواسته دختران را به سمت سطوح بالای استرس‌های جسمی و روحی سوق می‌دهد، زیرا بدن و ذهن آن‌ها برای بارداری آماده نیست. ازدواج کودکان دروازه‌ای به زایمان‌های پرخطر و متعدد است. فشار زیادی به دختر برای اثبات قدرت بارداری و باروری به فامیل، همسر و جامعه وارد می‌شود، حتی قبل از اینکه او توانایی تکمیل رشد جنسی و جسمی خود را داشته باشد، و حتی پیش از آنکه بلوغ عقلی، روان‌شناختی و عاطفی لازم برای بارداری و قبول مسئولیت یک زندگی جدید در ایشان شکل گیرد. بارداری‌های مکرر و زودهنگام می‌تواند باعث جراحات همیشگی و تضعیف‌کننده سلامت و بقای مادر و بچه شود.

این مطالعه بر اساس یافته‌های پیمایش، توصیه‌ها و راهکاری را عرضه می‌کند. بسیاری از این پیشنهادات برنامه‌های موجود ممانعت از ازدواج کودکان را تقویت کرده و تأکید دارند که نگرش‌های جامع‌چندوجهی برای مقابله با مشکل ازدواج کودکان شرط لازم اتخاذ سیاست‌گذاری‌ها می‌باشد. سن قانونی و تعریف‌شده برای تحصیلات اجباری هم‌راستای سن حداقل شده برای تعریف ازدواج باشد. قانون در خصوص سن قانونی ازدواج که در حال حاضر ۱۳ سال برای دختران و ۱۵ سال برای پسران است، نیازمند افزایش به سن ۱۸ سالگی است و نیاز مبرم و فوری به اصلاح ماده ۱۴۰۱ است. ثبت رسمی تمامی تولدها و ازدواج‌ها برای توقف رسم ازدواج در کودکی اجباری است. ثبت احوال یک‌قدم کلیدی در مواجهه با ازدواج زودهنگام کودکان است. زیرا گواهی برای تعیین دقیق سن عروس است. ثبت دقیق ازدواج‌ها تنها زمانی ممکن است که ثبت‌زمانمند و موشکافانه تولدها استوار باشد. نقش دولت بسیار چشمگیر است. دولت باید وجود و ماهیت ازدواج کودکان را به رسمیت شناخته و دارای برنامه پایدار برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام کودکان باشد. حکومت فراهم ساختن منابع مالی کافی از طریق وزارتخانه‌ها برای کنار آمدن با این پدیده تاریخی، باید مدیریت سیاسی مقتدرانه‌ای را در این خصوص نشان دهد. اهمیت تحصیلات به‌عنوان ابزار بالا بردن سن ازدواج غیرقابل‌انکار است. بدین ترتیب یک سیستم آموزش اجباری و رایگان باید در سراسر کشور دایر گردد. بیشترین تأثیری که از آموزش دختران حاصل می‌شود این است که می‌توانند این تفکر که دختران هنوز کودکان مدرسه‌ای

هستند را در جامعه بسط دهد. راهکار دیگر آموزش عمومی در خصوص ازدواج کودکان و افزایش سواد و آگاهی عمومی یک ضرورت است. کم‌سوادی هم علت و هم معلول کودک همسری است. افزایش آگاهی زمانی محقق می‌شود که قدرت فناوری به میدان عمل گذاشته شود، خصوصاً با استفاده از کمپین‌های انبوه رسانه‌ای و دیگر روش‌های خلاقانه مانند رادیو، تلویزیون، موبایل و رسانه‌های دیجیتال برای افزایش آگاهی از حقوق دختران و اثرات ازدواج در کودکی. سیستم حقوقی و قانونی برای جلوگیری از ازدواج کودکان بسیار ضروری است. افزایش سن ازدواج به ۱۸ سال و حمایت قضایی و قانونی از آن اهمیت بسزایی دارد. باید تلاش جدی‌تری از جانب قوه قضایی برای مجازات افرادی که به ازدواج کودکان دست می‌زنند و کیفر والدینی که فرزندانشان را وادار به ازدواج زودهنگام می‌کنند، صورت گیرد. مردان عامل تغییر هستند و آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند. مورد هدف قرار دادن پدران، پسران و شوهران در مداخلات ریشه‌کنی ازدواج زودهنگام موجب می‌شود آن‌ها بتوانند از وضعیت جنسی و مزایای حمایت و ارزش‌گذاری زنان و دختران درک درستی بیابند. رهبران دینی عاملان اصلی تغییر در ایران هستند و آن‌ها با سرمایه اجتماعی و سیاسی که دارند می‌توانند مقبولیت فرهنگی تأخیر در ازدواج را جا بیندازند. با توجه به تأثیر مذهب در کودک همسری، آموزش جامع و مشاوره رهبران مذهبی برای انعکاس و بازتاب پیام پیشروانه است.

سپاسگزاری

از همه کارشناسان، والدین، دختران و پسرانی که به‌عنوان مشارکت‌کننده در پژوهش شرکت داشتند قدردانی می‌شود. همچنین از صاحب‌نظران و اساتیدی که در حین انجام پژوهش نکات و توصیه‌های ارزنده خود را ارائه کردند کمال تشکر به عمل می‌آید. از تمام همکاران میدانی، پرسشگران و پژوهشگران همکار که در انجام و تهیه نسخه کتابی این پژوهش نقش ایفا کردند مجدداً سپاسگزارم.

تعارض منافع

این مقاله و با استناد بر نسخه اصلی پژوهش صورت بندی و انجام گرفته و از حمایت‌های مالی سازمان و نهاد خاصی استفاده نگردیده؛ بنابراین بین نویسندگان تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- محمدپور، علی، و قوی، نعمت‌الله. (۱۳۹۲). عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان. *مطالعات جامعه‌شناسی* ۶(۲۰): ۳۹-۵۳.
- سیار، ثریا، راهب، غنچه، و اقلیما، مصطفی. (۱۳۹۱). مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران. *رفاه اجتماعی* ۱۲(۴۷): ۲۹۵-۲۸۱.
- احمدی، کامیل. (۱۳۹۶). طنین سکوت: پژوهشی جامع بر باب ازدواج کودکان در ایران. تهران: نشر شیرازه.
- احمدی، کامیل. (۱۳۹۴). پژوهشی جامع در باب ختنه زنان در ایران، تهران: نشر شیرازه.

صفوی، حنا سادات، و مینایی، ماه‌گل. (۱۳۹۴). تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر، فصلنامه پژوهش زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶(۱)، ۸۷-۱۰۶.

المو، بارد. (۱۳۸۶). ازدواج زودهنگام در اتیوپی: علل و عواقب سلامتی. مرکز بین‌المللی تحقیق برای زنان. صندوق جمعیت سازمان ملل. (۱۳۹۱). ازدواج زودهنگام: پایان کودک همسری، نیویورک: صندوق جمعیت سازمان ملل. موجود در : www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf/MarryingTooYoung.pdf

یونیسف. (۱۳۸۳). آموزش. موجود در https://www.unicef.org/media/media_68116.htm تاریخ دسترسی (۱۳۹۵/۱۰/۷).

یونیسف. (۱۳۸۰). ازدواج زودهنگام: کودک همسران. موجود در <https://www.unicef.org/publications/291> . تاریخ دسترسی (۹۵/۱۰/۷).

کلاگمن، جی.، هانمر، اسن، توینگ، اس.، حسن، جیمک کلیری، سلز و سانتاماریا، جی. (۱۳۹۳). صدا و آژانس: توانمندسازی زنان و دختران برای موفقیت عموم. واشنگتن دی. سی.

یونیسف. (۱۳۹۲). بیانیه مشترک در خصوص پایان خشونت علیه زنان و دختران. موجود در: https://www.unicef.org/media/media_68116.html تاریخ دسترسی (۹۵/۱۰/۸).

سالنامه آماری ثبت احوال. (۱۳۹۳). موجود در سایت: <https://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/salnameh93.pdf>

عبادی، شیرین. (۱۳۶۹). توجه به حقوق کودکان در ایران، نشر روشنگران.

An Echo of Silence: A Comprehensive Research on Early Child Marriage in Iran

Kameel. Ahmady*¹

Abstract

Aim: The purpose of this research was to recognize and identify the reasons for the prevalence of early child marriage in Iran and to analyze the social and cultural details of this social problem. **Method:** The current research method was integrated (qualitative-quantitative) and practical in terms of its purpose. In the qualitative part, the participants included adults, children and adolescent girls and boys who were married at a young age (under 18 years) for various reasons, who were selected by purposeful sampling. The research tool was an interview and continued with 311 participants far more than theoretical saturation were needed. For the validity of the findings, face validity and reliability were used with recoding method by the coding team. In the quantitative part of the research, it was based on the analysis of surveys conducted from 2006- 2014 in seven provinces (Khorasan Razavi, East Azerbaijan, Khuzestan, Sistan and Baluchistan, West Azerbaijan, Hormozgan and Isfahan) of the country. **Results:** The findings showed that the most important factors affecting the continuation of child marriage include poverty, low education and illiteracy, legal permission to marry (13 for girls and 15 for boys), social pressures, patriarchal views, and traditional and religious beliefs. One of the effects of early marriage is the increase in divorce, lack of Jobs and education, and child widowhood, the growth of orphaned and poorly cared for children, sexual abuse of girls, the continuation of the cycle of poverty and prostitution, and the increase in physical, sexual and mental illnesses for girls. **Conclusion:** Early marriage of female children and adolescents in Iran is prevalent as a social and cultural harm in most provinces of the country, which is associated with various harms. Therefore, there is a serious need for changing the current laws on marriage and the officials and those involved in the family field to take preventive and interventionist measures on this issue.

Keywords: *early child marriage, child marriage violence against women, divorce, poverty, education, patriarchy, prevention*

1. **Corresponding Author:** M.A in social anthropology, University of Kent, UK
Email: kameel.ahmady@gmail.com